انترناسیونال 774

حمید تقوایی

**حرف آخر را مردم میزنند**

**نگاهی به جنگ لفظی میان فاشیسم آمریکائی و فاشیسم اسلامی**

بالا گرفتن جنگ لفظی بین دولت ترامپ و مقامات جمهوری اسلامی یک بار دیگر موضوع سیاست دولت آمریکا در قبال رژیم اسلامی را در مرکز توجه افکار عمومی و در رسانه ها و مدیای اجتماعی قرار داده است. در رسانه های آمریکائی منتقد ترامپ، یعنی اکثر رسانه های آن کشور، موضوع در چهارچوب "افتضاحات و رسوائی های" اخیر ترامپ بویژه در مذاکرات هلسینکی و رابطه اش با پوتین و بعنوان ترفندی برای منحرف کردن اذهان از این افتضاحات مطرح میشود و در مقابل، موافقین معدود ترامپ آنرا نشانه قدرت و عزم جزم دولت آمریکا علیه جمهوری اسلامی و تروریسم اسلامی در منطقه میدانند.

در ایران مساله ابعاد دیگری دارد. در اینجا اساسا مقابله مردم با رژیم اسلامی است که به فضای سیاسی شکل میدهد. بدنبال مقابله لفظی بین دو دولت از یکسو در طوفان تویتری هشتگ "جمهوری اسلامی باید برود" داغ شده است و از سوی دیگر حکومتی ها و مدافعین وقیح و یا شرمگین جمهوری اسلامی فرصتی برای کوبیدن بر طبل ضد آمریکائی گری و هشدار در مورد دخالت آمریکا در امور داخلی ایران و غیره یافته اند. اما واقعیت چیست؟ چه علل و اهدافی موجب بالاگرفتن این جنگ لفظی شده است؟ این تنش به کجا خواهد انجامید؟

تا آنجا که به روابط میان دو دولت مربوط میشود اساس مساله تنظیم روابط جدید پس از خروج دولت آمریکا از برجام است. ترامپ بارها اعلام کرده است که میخواهد جمهوری اسلامی را بر سر میز مذاکره با شرایط جدید بکشاند. او حتی روز بعد از توئیت اش که خطاب به روحانی گفته بود "هرگز ایالات متحده را تهدید نکن، وگرنه بلایی سرتان خواهد آمد که کمتر کسی در تاریخ متحمل شده‌است" اعلام کرد "آماده یک توافق واقعی با ایران هستیم." چندی قبل نیز مایک پمپئو وزیر خارجه آمریکا صریحا اعلام کرده بود که دولت متبوعه اش قصد تغییر رژیم ایران را ندارد. موضعی که به مذاق نیروهای اپوزیسیون راست جمهوری اسلامی که به ترامپ دخیل بسته اند خوش نیامد.

رجز خوانی های ترامپ را باید به حساب اعمال فشار برای واداشتن جمهوری اسلامی به تن دادن به توافق مورد نظر دولت امریکا گذاشت. بر خلاف نظر مدافعین خجول و نیمه خجول جمهوری اسلامی نه صحبتی از رژیم چنچ در میان است و نه حمله نظامی و جنگ و اقداماتی از این قبیل. دولت آمریکا بعد از تجربه عراق و افغانستان نه میخواهد و نه میتواند به سیاستهای میلیتاریستی دوران بوش پدر و پسر بازگردد. آن دوره گذشت و محصولش را بیشتر دولت روسیه و جنبش اسلام سیاسی و نیروها و دولتهای اسلامی در منطقه درو کردند تا دولت آمریکا و متحدینش. رجز خوانی های جنگی ترامپ، نظیر اظهارات اولیه اش علیه دولت کره شمالی، در واقع تلاشی است برای تنظیم روابط و مناسبات تازه از یک موضع قدرت.

اهرم فشار دولت آمریکا تشدید تحریمهای اقتصادی است. دولت ترامپ برای قبولاندن شرایط تازه اش، که از پروژه هسته ای فراتر میرود و توقف دخالتگریهای جمهوری اسلامی در عراق و سوریه و یمن و سیاستهای خصمانه اش در قبال عربستان و اسرائیل را نیز در بر میگیرد، در صدد اعمال تحریمهای تازه ای است که قرار است بخش اول اش ده روز دیگر، ١٣ مرداد، برقرار بشود.

از نقطه نظر مقامات جمهوری اسلامی نیز "خطر" فوری و مهلکی که حکومت آنها را تهدید میکند تشدید تحریمها است. جمهوری اسلامی میداند که ادامه برجام منهای دولت آمریکا عملا دردی از اقتصاد ورشکسته اش دوا نخواهد کرد. اقتصاد جمهوری اسلامی تماما فروپاشیده است و تحریمهای تازه میتواند تیرخلاص را به اقتصاد در حال موت حکومت شلیک کند. در این میان رجز خوانی های روحانی در مورد "بستن تنگه هرمز" و "مادر جنگها" و یا تهدید رئیس ستاد نیروهای مسلح جمهوری اسلامی که "مراکز استقرار آمریکا در دسترس قدرت دفاعی ایران است" حتی از خط و نشان کشیدنهای جنگی ترامپ توخالی تر است. میدانند که نه توان بستن تنگه هرمز را دارند و نه حمله به پایگاههای نظامی آمریکا را. این نوع هشدارها و تهدیدات توخالی قرارست زمینه مذاکرات بعدی را فراهم کند.

در دوره قبل، هم زمان با مذاکره و توافق بر سر برجام، خامنه ای از رجزخوانی علیه شیطان بزرگ کوتاه نمی آمد و این بار روحانی هم همین ساز را میزند. بالاخره باید صورتشان را با سیلی هم شده سرخ نگهدارند. در عین حال همه مقامات حکومت از هر دو جناح میدانند چاره ای جز بازگرداندن آمریکا به برجام ندارند. از یکسو وضعیت اقتصادی حکومت بسیار وخیم تر و از هم پاشیده تر از دوره امضای برجام است و از سوی دیگر از نظر سیاسی وضعیت حکومت در ایران و در منطقه بسیار بحرانی تر و متزلزل تر شده است. این وضعیت نهایتا راهی بجز مذاکره و تن دادن رژیم به شرایط تازه دولت آمریکا باقی نمیگذارد. معضل حکومت این است که چگونه و با چه شیوه و ترتیباتی این راه را با کمترین تلاطمات و کمترین هزینه سیاسی طی کنند.

از همان مقطع اعلام خروج آمریکا از برجام برخی از مقامات حکومتی بطور ضمنی احتمال مذاکره و توافق تازه با دولت ترامپ را مطرح میکردند و این تلاشها، علیرغم تک مضرابهای اعتراضی برخی اصولگرایان، هر چه به زمان اعمال تحريمهای تازه نزدیک تر میشویم صریح تر و علنی تر میشود.

بعد از مذاکره ترامپ و کیم جونگ اون دیکتاتور کره شمالی، قاسم محبعلی، مدیرکل اسبق وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی در مصاحبه با سایت انصاف میگوید: "طبیعی است که هر دعوایی آخرش باید از طریق مذاکره حل و فصل شود. به نظر می‌رسد همانطور که امروز دعوای کره شمالی و آمریکا به یک نقطه‌ی عطف رسید، در مورد ایران هم به نظر می‌رسد که دعوای ما با آمریکا به نقطه‌ی عطف خودش نزدیک خواهد شد."

این احتمالی است که مقامات حکومتی در پس رجزخوانیهای ضد آمریکائیشان به آن امید بسته اند. دو روز قبل نیز سایتهای رسانه ای حکومت از احتمال ملاقت پمپئو و ظریف که هر دو به دلایل مختلفی هم زمان در سنگاپور هستند خبر دادند. سایت خبری بورس در این مورد نوشته است: "گرچه احتمال انجام این ملاقات را باید ٥٠ - ٥٠ توصیف کرد اما نباید از نظر دور داشت که فشار برای انجام چنین ملاقاتی کم نیست."

این فشار واقعی است اما اصلی ترین عامل فشار نه ترامپ و تهدیدهای نظامی و حتی تشدید تحریمهای اقتصادی و نه کلا رابطه با آمریکا و غرب بلکه جامعه ای است که برای سرنگون کردن جمهوری اسلامی بپا خاسته است. مشکل اصلی جمهوری اسلامی امروز دیگر بحران و بن بستهای اقتصادی و سیاسی نیست بلکه مساله بقا و حفظ خود در مقابل جنبش بنیان کنی است که از دیماه سال گذشته آغاز شده و در عرصه های مختلف در حال پیشروی است. حرف آخر را مردم خواهند زد.

بن بست و بحران اقتصادی- سیاسی- اجتماعی حکومت نه با تحریمها شروع شده است و نه با برجام، و یا تجدید برجام با هر شرط و شروطی، تخفیف پیدا خواهد کرد. امروز در فضای سیاسی ایران آنچه تعیین کننده است رابطه جامعه با حکومت است و نه رابطه دولت آمریکا و یا هر دولت دیگری با جمهوری اسلامی. تنش و جنگ لفظی حاضر میان دو دولت به هر نتیجه ای منجر بشود یک چیز مسلم است: کارگران و زنان و توده مردم ایران عزم جزم کرده اند جمهوری اسلامی را بزیر بکشند.

دولت فاشیستی ترامپ در صحنه سیاست داخلی و بین المللی با مشکلات عدیده ای روبروست و یک ارزش مصرف حملات لفظی او علیه جمهوری اسلامی میتواند انحراف اذهان عمومی و تخفیف بحران داخلی خود باشد. اما برای فاشیسم اسلامی حاکم در ایران کار از این حرفها گذشته است. مدتهاست دوره کوبیدن بر طبل شیطان بزرگ و عَلَم کردن خطر حمله نظامی آمریکا و غیره سپری شده است. شعار "دشمن ما همین جاست، دروغ میگن آمریکاست" بروشنی اعلام میکند که حنای ضد آمریکائی گری حکومت دیگر رنگی ندارد.

بحران ترامپ ممکن است با استیضاح او خاتمه پیدا کند اما بحران جمهوری اسلامی تنها با سرنگونی او حل خواهد شد. جواب مردم آمریکا به دولت ترامپ هر چه باشد پاسخ مردم ایران همانست که در طوفان توئیتری حول جنگ لفظی اخیر اعلام کردند: جمهوری اسلامی باید برود!

# 